

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)  
سال یازدهم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۸

## مطالعه ساخت‌های گفتمان‌مدار معنایی در روزنامه الحياة عربستان با تکیه بر الگوی ون دایک<sup>۱</sup>

زینب قاسمی اصل<sup>۲</sup>  
شهریار نیازی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

### چکیده

پژوهش حاضر، بر آن است تا نمود زبان‌شناختی ساخت‌های گفتمان‌مدار در متن‌های عربی را تحلیل کند. بر این مبنا، مقاله حاضر، به تبیین استراتژی‌های معنایی که در شکل‌گیری گفتمان متن، نقش دارند، پرداخته است. به این منظور، ۳۰ سرمقاله روزنامه الحیة عربستان با موضوع مسائل ایران، انتخاب شده و با استفاده از الگوی ون دایک بررسی شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بیشترین نمود زبان‌شناختی ساخت‌های معنایی گفتمان‌مدار در روزنامه الحیة، مربوط به دو استراتژی فاصله‌گذاری و قطبی‌شدگی است. همچنین نویسنده‌ها به کاربرد مؤلفه‌هایی مانند تلویح تمایل چندانی نشان ندادند. این امر همسو با تقابل و درگیری‌های لفظی دو کشور در سال‌های اخیر است. با توجه به مؤلفه‌های

---

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.16523.1383

<sup>۲</sup> پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

z.ghasemiasl@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران؛

shniazi@ut.ac.ir

بررسی شده، ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسنده‌ها، «معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه» بود. این ایدئولوژی از سطح کلان به سطح خرد انتقال یافته و در محور معنا - که مورد نظر این پژوهش است، به صورت ساخت‌های زبانی مانند پیش‌انگاشت، تعمیم، فاصله‌گذاری، به‌نمایی و موارد مشابه مورد استفاده قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفت‌مان انتقادی، ساخت‌های گفت‌مان‌مدار، ایدئولوژی، ون‌دایک، روزنامه‌الهیة.

## ۱. مقدمه

ایران و عربستان سعودی، به عنوان دو قطب سیاسی و مذهبی در خاورمیانه، همواره رقیب‌های سنتی یک‌دیگر در گسترش و تثبیت قدرت منطقه‌ای به شمار می‌آیند. روابط این دو کشور در دوره‌های گوناگون به دلایل ویژه، دچار فراز و نشیب می‌شود. گاهی سیاست همکاری، گاه تضاد و رقابت و گاهی مانند سال‌های اخیر (از شروع بحران سوریه در سال تاکنون) مبتنی بر درگیری لفظی مستقیم میان مقامات دو طرف، قطع روابط و درگیری‌های نیابتی در کشورهای سوم بوده است. البته به صورت کلی، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، هر دو کشور با وجود اختلافات سنتی، سعی در توسعه روابط داشتند. هر چند پیامدهای بهار عربی در منطقه و اختلاف دیدگاه عمیق طرفین بر سر مسائل گوناگون مرتبط با این پدیده، فاجعه‌نا، حمله به سفارت عربستان در تهران و به دنبال آن قطع رسمی روابط سیاسی بین دو کشور، شدیدترین تقابل بین آن‌ها به شمار می‌رود. این تقابل جدی، سبب ایجاد جنگ رسانه‌ای شدید رسانه‌های عرب‌زبان منطقه، بر علیه ایران شده است که تلاش دارند ایران را به عنوان دشمن مسلمانان در خاورمیانه معرفی کنند. در واقع، این رسانه‌ها، سیاست‌های خویش را به گونه‌ای پیش می‌برند که اختلاف دو کشور را به عنوان اختلاف هویتی، امنیتی و مذهبی ایران با همه کشورهای خاورمیانه بازنمایی کنند. در این کارزار، شناخت استراتژی‌های گفت‌مانی مطبوعات سعودی که نقش محوری و الهام‌بخشی در پیوند با مطبوعات دیگر کشورهای عربی دارند، می‌تواند راهی برای پیش‌بینی رفتار سیاسی و گفت‌مانی عربستان سعودی به عنوان گفت‌مان متضاد ایران، باشد. روزنامه‌الهیة عربستان، با توجه به قدمت، تیم حرفه‌ای و چاپ همزمان در چندین نقطه از دنیا، یکی از رسانه‌های تأثیرگذار این کشور در پیش‌برد جنگ رسانه‌ای علیه ایران است. ال‌حیة، نخستین بار در سال ۱۹۴۶ میلادی، به وسیله «اکامل مروة» در لندن منتشر شد. در سال ۱۹۹۶، شاهزاده «خالد بن سلطان آل سعود» اقدام به خرید این

نشریه نمود و جایگاه اصلی روزنامه همچنان در انگلستان است. این نشریه، روزانه به طور همزمان در شهرهای ریاض عربستان، بیروت لبنان و لندن انگلیس به چاپ می‌رسد و یکی از پرمخاطب‌ترین مطبوعات عربی است. نسخه آنلاین آن در پایگاه اینترنتی الحیاة<sup>۱</sup> در دسترس است. دلیل انتخاب روزنامه الحیاة برای انجام پژوهش، نقش مرکزی آن در استراتژی‌های گفتمانی مطبوعات جهان عرب، برای مقابله با ایران است. اغلب در هر شماره، مطلبی علیه ایران توسط تحلیلگران این نشریه به چاپ می‌رسد که الگویی برای دیگر روزنامه‌های عربی از نظر شیوه‌های بازنمایی به شمار می‌رود. در این نوشتار، ۳۰ سرمقاله، برای بررسی موردی انتخاب شده‌است تا شیوه استفاده از استراتژی‌های زبانی در گفتمان غالب بر آن، به بحث گذاشته شود. انتخاب سرمقاله‌ها برای بررسی به این دلیل است که این ژانر مطبوعاتی، پهنه مناسبی برای مطالعه نقش ایدئولوژیک رسانه‌های خبری، به شمار می‌رود. زیرا سرمقاله، نمودی از «نگاه عمیق‌تر ایدئولوژیک مالکان و مدیران روزنامه است» (Henry & Tator, 2002, p. 93). سرمقاله‌ها، زمانی که به موضوعات مربوط به سیاست خارجی می‌پردازند، اهمیت بسیاری می‌یابند. زیرا «گزارش آن‌ها بر چگونگی درک مردم و سیاست‌گذاران از دیگر مناطق دنیا تأثیر می‌گذارد و تعیین‌کننده شاخص‌های محیط سیاسی جهان است» (Malek, 1997, p. 225). از جنبه نقش سرمقاله در روزنامه، می‌توان آن را عصاره اندیشه هیأت تحریریه دانست که در قلم تحلیلگر نمایان می‌شود. بیشتر جنجال‌های رسانه‌ای که گاه تبدیل به مسائل با اهمیت و اختلاف‌های شدید سیاسی نیز می‌شود از دل سرمقاله‌ها نشأت می‌گیرد. نکته دیگری که در انتخاب ژانر سرمقاله برای نگارندگان اهمیت داشت، این بود که سرمقاله معمولاً به بررسی مهمترین مسأله روز می‌پردازد. همچنین حجم سرمقاله‌های ویژه مسائل ایران در روزنامه الحیاة، به شکل معناداری بالا است. این امر نشان می‌دهد که ایران به عنوان یکی از موضوع‌های ویژه در دستورکار این روزنامه قرار دارد. جستار حاضر بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسنده، چگونه به صورت ساخت‌های گفتمان‌مدار در متن بازنمایی می‌شود و نمودهای زبانی آن چه مواردی هستند؟ وجه اهمیت پرسش بالا این است که با دست‌یابی به پاسخ، خلأ موجود در مطالعات زبان‌شناسی، در پیوند با مطبوعات عربی، پوشش داده می‌شود. همچنین تبیین استراتژی‌های گفتمانی این روزنامه، راه را برای مطالعات بیشتر در رشته علوم ارتباطات برای پژوهشگران هموار می‌کند. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در زمینه تبیین دیپلماسی رسانه‌ای عربستان، مورد استفاده تحلیلگران سیاسی و مطبوعاتی در ایران قرار گیرد.

<sup>1</sup> <http://www.alhayat.com>

### ۱.۱. پیشینه پژوهش

رویکرد «ون دایک»<sup>۱</sup> در مطالعات تحلیل گفتمان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در ایران پژوهش‌های گوناگونی با استفاده از آن به نگارش درآمده که بیشتر آن‌ها در پیوند با بررسی روزنامه‌ها و رسانه‌های انگلیسی زبان است. ایزدی سقایی‌بی‌ریا (Izadi & Vasquai Beiria, 2008) در مقاله‌ای با نام «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران» به بررسی مسأله نقش این روزنامه‌ها در شکل‌دهی هویت درون و برون‌گروهی بر مبنای تصویر شرق‌شناسانه از اسلام و مسلمانان پرداخته است. رشیدی و سعیدی (Rashidi & Saeedi, 2015)، با بهره‌گیری از رویکرد ون دایک در مقاله‌ای با نام «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب «فارسی امروز برای دانشجویان خارجی» بر اساس چارچوب تحلیلی ون دایک و ون لیون» تلاش کرده‌اند تا ساخت‌های گفتمانی ایدئولوژی‌های موجود در کتاب مورد اشاره را تجزیه و تحلیل کنند. یافته‌های آن‌ها بیانگر این نکته است که نویسنده، بیشترین استفاده از ساخت‌های گفتمان را در توصیف جزئیات انجام داده است. دلیل این امر، تألیف کتاب برای زبان‌آموزان مبتدی است و نویسنده تلاش کرده تا از پیچیدگی و پنهان‌سازی پرهیز کند. حامدی شیروان و زررقانی (Hamed Shirvan & Zarqani, 2015)، در مقاله «تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک» این الگوی تحلیل گفتمان را که اغلب برای بررسی متن‌های سیاسی استفاده می‌شود، در مطالعه‌ای ادبی به کار برد. یافته‌های پژوهش وی بیانگر آن است که تدوین‌کنندگان روایت شغاد، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمانی بر آن بوده‌اند تا خطاهای گروه «خودی» را فروکاهند و ویژگی‌های منفی «دیگری» را برجسته کنند. درباره نکته‌های مثبت نیز بر پایه مربع ایدئولوژیک ون دایک، تأکید بر نقطه‌های مثبت گروه خودی و ضعیف‌سازی نقطه‌های مثبت غیر خودی مشاهده می‌شود.

شریفی و همکاران (Sharifi et al., 2017)، موضوع «ایران هراسی در گفتگوهای خبری «سی ان ان»، مطالعه‌ای بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک» را انتخاب کرده‌اند. وی عملکرد مجری یکی از برنامه‌های خبری «سی ان ان» را در چند سطح مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش بر سوگیرانه بودن عملکرد ون دایک در پرداختن به مسائل ایران، دلالت دارد. یاسمی و آقاگل‌زاده (Yasemi & Aghagolzadeh, 2017)، در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب «امریکن اینگلیش فایل» با استفاده از مدل ون دایک» نشان داده‌اند که نگارندگان کتاب، چگونه هدف‌های ایدئولوژیک خود درباره سبک زندگی غربی را در قالب متن‌ها و تصویرها در این کتاب، اعمال کرده‌اند.

<sup>1</sup> Teun Adrianus Van Dijk

### ۲.۱. مبانی نظری

تحلیل گفتمان، بر پایه تعریف فرکلوف، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است. در این صورت تحلیل گفتمان، نمی تواند منحصر به توصیف صورت های زبانی، مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت ها برای پرداختن به آن ها در امور انسانی به وجود آمده اند (Fairclough, 2000, p. 11).

در این زمینه، ایدئولوژی و قدرت دو عامل انسانی مهم به شمار می آیند که در فرآیند ارتباط زبانی تأثیر مهمی در لایه های مختلف متن و سخن دارند. بر این مبنا، این دو عامل، در الگوهای تحلیل گفتمان انتقادی مورد توجه پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه قرار دارند.

ایدئولوژی را می توان دسته ای از باورها و نگرش هایی دانست که اعضای یک گروه اجتماعی ویژه به صورت مشترک از آن ها برخوردارند (Bloor & Boor, 2011, p. 25). هر چند مفهوم قدرت به رابطه میان گروه های اجتماعی گفته می شود که در صورت زبانی به عنوان کنش اجتماعی بازنمایی می شوند (Aghagolzadeh, 2013, p. 127).

دخالته ایدئولوژی و قدرت در متن، به صورت نمود در ساخت های گفتمانی آشکار می شود. بر این مبنا، تحلیلگران انتقادی، در الگوهای خویش، تجزیه و تحلیل و تفسیر ساخت های گفتمانی را مورد توجه قرار داده اند. یارمحمدی (Yarmohammadi, 2004, p. 30)، در تعریف ساخت های گفتمانی و نقش آن ها در متن بیان کرده است تبلور دیدگاه های فکری - اجتماعی یا ایدئولوژی از طریق مؤلفه های ویژه ای در متن به نام «ساخت های گفتمان مدار» انجام می شود. ساخت های گفتمان مدار، مشخصه های زبان شناختی یا جامعه شناختی هستند. به کارگیری، عدم استفاده و یا تغییر و تبدیل این مؤلفه ها به صورت دیگر در متن، سبب برداشت های متفاوت از جمله، پوشیدگی و ابهام و یا صراحت مطلب و برجستگی یا به حاشیه رفتن بخشی از متن می شود و در متن لایه ای زیرین و زبرین ایجاد می کند.

با توجه به موارد بالا، تحلیلگر انتقادی برای دستیابی به برداشتی جامع از دیدگاه های ایدئولوژیک و روابط قدرت مرتبط با متن، ناگزیر است راهبردها و استراتژی های متن که در ساخت های گفتمانی نمایان می شوند را بشناسد. این همان چیزی است که در الگوی ون دایک از آن به مفهوم «شناخت» تعبیر می شود. ون دایک بر نقش و جایگاه شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، ارتباطات و تعاملات اجتماعی تأکید کرده است. وی با برقراری ارتباط میان سه مفهوم گفتمان، معرفت و اجتماع، ترکیبی را ایجاد کرد که مبنای رویکرد اجتماعی شناختی او شد (Sarai & Fathi, 2008, p. 92).

<sup>1</sup> discursive structures

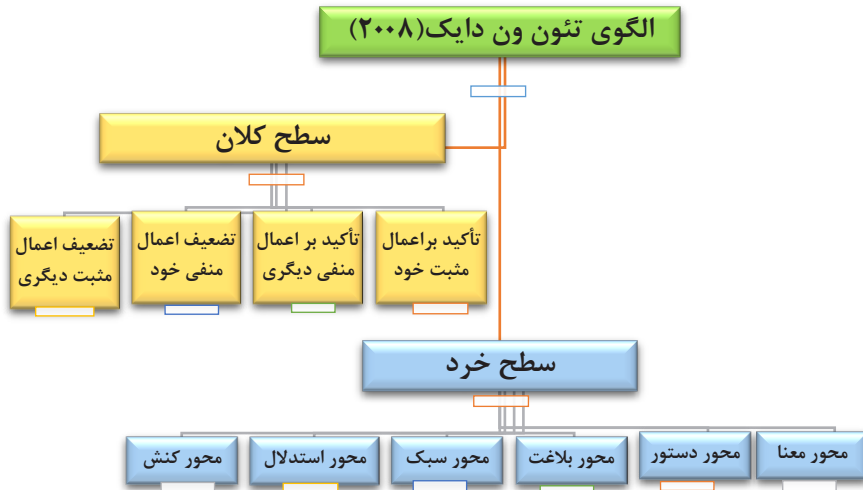
ون دایک برای تحلیل متن، دو سطح کلان و خرد را پیشنهاد داده که هر کدام دارای مؤلفه‌های ویژه خود است. سطح کلان متن، در حقیقت سطحی انتزاعی است. با استفاده از این سطح، به توصیف و تحلیل ارتباط بین گروه‌ها و کنشگران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در یک جامعه پرداخته می‌شود. این امر با در نظر گرفتن مفاهیم فرازبانی مانند ایدئولوژی، سیاست، قدرت و سلطه در گفتمان انجام می‌پذیرد (Van dijk, 2004, p. 31). در سطح کلان که از آن به «مربع ایدئولوژیک»<sup>۱</sup> یاد می‌شود، چهار اصل مهم وجود دارد: نخست، تقویت و تأکید بر اعمال و ویژگی‌های مثبت گروه خودی. دوم، تضعیف اعمال و ویژگی‌های مثبت گروه غیر خودی. سوم، تضعیف و عدم تأکید بر اعمال و ویژگی‌های منفی گروه خودی و چهارم، تضعیف و عدم تأکید بر اعمال و ویژگی‌های مثبت گروه غیر خودی.

ریچاردسون (Richardson, 2007) درباره نقش این مربع در چگونگی انتخاب استراتژی‌های گفتمانی در سطح خرد متن بیان کرده‌است مربع ایدئولوژیک، پیش‌بینی می‌کند که بیگانگان از هر نوعی بازنمودی منفی داشته و خودی‌ها همیشه بازنمودی مثبت دارند. این کار توسط تأکید و برجسته‌سازی خصوصیت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها و ناچیز انگاشتن خصوصیات و فعالیت‌های مثبت آن‌ها، انجام می‌شود. بر عکس، خصوصیت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مثبت خودی‌ها، برجسته شده و خصوصیت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی منفی آن‌ها کمرنگ می‌شوند. این مربع ایدئولوژیک، در تمامی ابعاد زبانی یک متن، قابل مشاهده است. برای نمونه، اصطلاح‌ها و تعبیرهای مثبت، برای ارجاع به خود به کار رفته و تعبیرها و اصطلاح‌های منفی برای ارجاع به دیگران استفاده می‌شوند (Richardson, 2007, p. 51). انتخاب واژه‌ها در بازنمایی ایدئولوژیک، نقش بسزایی دارد. این که فرد (گوینده/ نویسنده) در یک بافت ویژه از یک واژه استفاده می‌کند و از واژه دیگری استفاده نمی‌کند، نشانگر نوع نگاه او به مسائل جهان و پیرامون است (Asadi & Sasani, 2017, p. 13).

فایده و کارکرد الگوی ون دایک که باعث انتخاب آن به عنوان روش تحقیق این پژوهش شده، این است که برخلاف برخی روش‌های تحلیل گفتمان که در مرحله اجرا بر روی متن، دچار ضعف در تعریف مسائل نظری خویش به صورت استراتژی‌های کاربردی و قابل مشاهده هستند، ون دایک در این بخش، الگویی کارآمد و قابل تطبیق طراحی کرده‌است. از سوی دیگر چندسطحی بودن این الگو، این امکان را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد که سطح خاص مورد نظر خویش را بدون تداخل با دیگری مورد مطالعه قرار دهد. به بیانی، قابلیت تفکیک استراتژی‌ها

<sup>1</sup> ideological square

در سطح‌های شش‌گانه، امتیاز دیگری است که نگارندگان را به سمت انتخاب این الگو، کشاند. نکته دیگر آنکه، ابزارهای زبانی ون‌دایک با سرچشمه گرفتن از مسائل زبانی و همچنین در نظر داشتن نگاه جامعه‌شناختی - معنایی به متن، امکان بررسی معنا را با در نظر گرفتن بافت، در لایه‌های مختلف متن، ایجاد کرده و پژوهشگر را در مسیر دستیابی به یافته‌های مورد اطمینان، یاری می‌کند.



شکل ۱: نمای کلی الگوی تئون ون دایک در تحلیل گفتمان انتقادی

## ۲. بحث و بررسی

در این بخش، استراتژی‌های سطح خرد متن، در محور معنا مورد بحث قرار می‌گیرند تا کیفیت و روش به کارگیری آن‌ها در روزنامه الحیاه تبیین شود.

### ۲.۱. مؤلفه‌های محور معنا نزد ون‌دایک

معیارهایی که ون‌دایک برای بررسی ساخت‌های معنایی گفتمان در متن تعیین کرده، شامل موارد زیر است که نحوه کاربرد هر یک در روزنامه الحیاه در این بخش، به صورت گسترده بیان می‌شود.

#### ۲.۱.۱. به‌نمایی<sup>۱</sup>

از آنجائیکه بیان دیدگاه‌ها درباره وقایع، بیانگر چارچوب‌های ایدئولوژیک زیربنایی است، اطلاعات معمولاً به صورتی در گفتمان ارائه می‌شود که دیدگاه مثبتی در ارتباط با گروه خودی ایجاد کند (Van

<sup>۱</sup> euphemism

101, p. 2007, Dijk), در این استراتژی، گوینده/نویسنده، برای ویژگی‌ها، کنش‌ها و واژگان منفی، واژه‌هایی با بار معنایی مثبت تر استفاده می‌کند تا به این وسیله، چهره منفی از کنشگر اجتماعی خودی در ذهن مخاطب باقی نماند. «یمنکن أن یسری هذا القانون علی «المتطوعین» الأفغان و الباکستانیین الذین یقاتلون فی سوریه و العراق ضد «الدولة الإسلامية» و «جبهة النصرة»، (Al-halu, 2016).

ترجمه: «ممکن است این قانون درباره داوطلبان افغان و پاکستانی که در سوریه و عراق علیه «دولت اسلامی» و «جبهة النصرة» می‌جنگند نیز اجرا شود». در این جمله، نویسنده متن، به جای «داعش» از «الدولة الاسلامیة» استفاده کرده تا بار منفی که از واژه داعش دریافت می‌شود در متن بروز پیدا نکند.

### ۲.۱.۲. پیش‌انگاشت<sup>۱</sup>

در این تکنیک معنایی ویژه، اطلاعاتی که به طور کلی، به هیچ‌وجه مشترک یا پذیرفته نیستند از پیش بدیهی دانسته می‌شوند (Van Dijk, 2015, p. 67). بر این مبنا، اگر مخاطب نگاه منتقدانه به موضوع نداشته باشد، ممکن است صدق آن گزاره پیش‌فرض را بپذیرد. این در حالی است که ممکن است آن پیش‌فرض، ماهیتی کاذب باشد. «لا توجد حتى الآن رؤية عربية موحدة لماهية الخطر الذي قد تشكل إيران مصدرًا له. فهو بالنسبة إلى بعض العرب خطراً بيولوجياً أو دينياً ناجم من نظام أصولي، أما بالنسبة إلى البعض الآخر، فالخطر الإيراني هو أولاً وقبل كل شيء خطر سياسي نابع من طموحات إمبراطورية فارسية هي بطبيعتها توسعية» (Aldrees, 2017).

ترجمه: «تاکنون موضع عربی یکسانی درباره ماهیت خطری که ایران منبع آن است، اتخاذ نشده‌است. این خطر برای برخی از اعراب یک خطر ایدئولوژیکی یا دینی است که از یک نظام بنیادگرا سرچشمه می‌گیرد. هر چند برای برخی دیگر خطر ایران قبل از هر چیز یک خطر سیاسی است که از بلندپروازی‌های امپراطوری فارس و ذات توسعه‌طلبانه آن بر می‌خیزد». این پاراگراف، با پیش‌فرض گزاره «خطر ایران» نوشته شده‌است. نویسنده متن بدون ارائه استدلالی بر صدق این پیش‌فرض، دست به طبقه‌بندی انواع این خطر کرده‌است و برای مخاطب خویش، مجالی برای دستیابی به صدق و کذب آن باقی نگذاشته‌است.

### ۲.۱.۳. تعمیم<sup>۲</sup>

راهبردی معنایی است که در آن ویژگی‌ها، رویدادها و اعمال عینی به گروه بزرگ‌تر و وسیع‌تر گسترش داده می‌شود. به بیان دیگر، در صورتی که مدل ذهنی (مثبت یا منفی) فرد یا گروهی ویژه به

<sup>1</sup> presupposition

<sup>2</sup> generalization



عنوان باورهای کلی، نگرش‌های اجتماعی و یا ایدئولوژی‌ها مردم کل جامعه بازنمایی شود. یا اینکه دامنه معنایی یک واژه، گسترش و عمومیت پیدا کند. این راهبرد توسط نویسنده مورد استفاده قرار گرفته است. «فلوکان هدف طهران حقاً هو الحصول على التأشيرات اللازمة لكان ذلك يسيراً، عبر دولة ثالثة بسبب إغلاق القنصلية السعودية إثر الاعتداء العاشم على السفارة السعودية في طهران قبل شهر، لكن إيران لا تهتم بتسهيل سبيل الحج لمواطنيها. وهذا الأسلوب محل اتفاق بين القوى الإيرانية جميعها، ولا فرق في ذلك بين «إصلاحيين» و «محافظةين» أو «معتدلين» و «متشددين»، فالكل سواء في تبني سياسة إثارة الأزمات مع دول الخليج»، (Al Hayat, 2016).

ترجمه: «اگر هدف تهران واقعاً این است که ویزاهای مورد نیاز (حجاج) را به دست آورد، این امر از طریق یک کشور سوم امکان پذیر است، زیرا کنسولگری عربستان در تهران، پس از حمله چند ماه پیش به سفارت بسته است، اما ایران علاقه‌ای به تسهیل حج برای شهروندان خود ندارد و این رویکرد مورد توافق همه گروه‌های ایرانی است. در این زمینه هیچ تفاوتی بین «اصلاح‌طلبان»، «محافظه‌کاران»، «اعتدال‌گرایان» و «تندروها» وجود ندارد. همه این گروه‌ها در اتخاذ سیاست بحران‌سازی در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس هم نظر هستند». خط دوم پاراگراف به موضوع حمله به سفارت عربستان در تاریخ ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۴ شمسی اشاره دارد. این امر توسط گروه محدودی از تندروها انجام شد که در ایران برخورد قضایی با آنها صورت گرفت. هر چند نویسنده متن، این گزاره را در سطح‌های گوناگون تعمیم داده است. ابتدا این مسئله را مطرح می‌کند که رویکرد اشاره‌شده مورد توافق همه گروه‌های ایرانی است. سپس با تکرار این تعمیم، جریان‌های سیاسی ایرانی را نام برده و این گزاره را به صورت موردی به همه آنها نسبت می‌دهد. در پایان پاراگراف، هم‌علاقه به ایجاد بحران با کشورهای عربی (که از گزاره حمله به سفارت دریافت می‌شود و به وسیله تعدادی از تندروها انجام شده) باز هم به همه گروه‌های سیاسی ایرانی تعمیم داده شده است.

#### ۲.۱.۴. انسجام درونی<sup>۱</sup> (پیوستگی موضعی)

به گفته ون‌دایک، در یک متن، فرض بر این است که توالی گزاره‌ها واجد پیوستگی محلی است. به این معنا که گزاره‌ها درباره توالی کنش‌ها، رخ‌دادها یا موقعیت‌هایی باشند که برای نمونه از طریق روابط علیت یا توانمندسازی، در ارتباط متقابل با هم هستند (Van Dijk, 2015, p. 68). در صورتی که در سازمان‌دهی و توالی گزاره‌ها تغییراتی صورت گیرد که سبب تغییرات معنایی شود، انسجام درونی نیز تغییر می‌یابد. «فولایتی نیسی آنه ایرانی، وآنه لیس عراقیاً لا فی الجنسیة ولا حتی فی الأصول الذریة، وآنه قال

<sup>1</sup> local coherence

قبل ذلك بدقیقة ان بلاده لا تتدخل في شؤون الدول الأخرى، لیعلن بكل صراحة: «إن قیل إن هناك إمكانية لإزاحة الحكومة العراقية الحالية، فهذا الكلام ضرب من الوهم والخیال». کیف یمکن لمسؤول ایرانی أن یعلن موقفاً عن الوضع الداخلي في بلد آخر، في الوقت الذي يدعی أن بلاده لا تتدخل في شؤون هذا البلد؟» (Hassan Rashid, 2016)

ترجمه: «ولایتی فراموش کرده که ایرانی است. او نه تابعیت عراقی دارد و نه اجداد او عراقی بوده‌اند. این را هم فراموش کرده که یک دقیقه قبل اعلام کرد کشورش در امور داخلی دیگر کشورها دخالت نمی‌کند، آن‌گاه با صراحت اعلام می‌کند: «ین که می‌گویند در حال حاضر، امکان سرنگونی دولت کنونی عراق وجود دارد نوعی خیال و توهم است.» چگونه یک مسئول ایرانی می‌تواند چنین موضعی درباره‌ی مسائل داخلی یک کشور دیگر بیان کند در حالی که مدعی است کشورش در امور داخلی آن کشور دخالت نمی‌کند.»

نویسنده ادعا می‌کند جمله‌ای که ولایتی بیان کرده است، مصداق دخالت در امور داخلی عراق است. وی برای اثبات ادعای خود به بندهای پیشین اشاره نموده که گزاره‌های آن‌ها از این قرارند: نخست، ولایتی ایرانی نیست. دوم، ایران در امور دیگر کشورها دخالت نمی‌کند. پس از این گزاره‌ها، نقل قول او از ولایتی قرار دارد که امکان سرنگونی دولت عراق را توهم خوانده است. از این مقدمات، نویسنده چنین نتیجه گرفته که حرف‌های ولایتی متناقض است و ایران در امور داخلی دیگر کشورها دخالت می‌کند. این در حالی است که رابطه منطقی و انسجام معنایی بین بندهای مختلف این پاراگراف وجود ندارد. مهمترین بند، که گفته ولایتی است با دیگر اجزای پاراگراف به ویژه با نتیجه‌ای که نویسنده گرفته است، گره انسجامی تشکیل نمی‌دهد. به این صورت، نویسنده توالی گزاره‌های متن را به گونه‌ای در راستای هدف دلخواه خویش، تغییر داده که انسجام متن تغییر یافته است.

## ۲. ۱. ۵. هم‌معنایی<sup>۱</sup>

این استراتژی به معنای استفاده از پاره‌گفته‌هایی است که کم و بیش اما نه کاملاً معنای یکسان دارند، اما با واژه‌های مختلف صورت‌بندی شده‌اند (Van Dijk, 2015, p. 69). گاهی نویسنده/گوینده از این شگرد برای تأکید بر مفهوم و معنای ویژه استفاده می‌کند. «الأمن والسلام، السلطة والهيمنة، الاضطراب وعدم الاستقرار، الأكاذيب والافتراءات، بالكراهية والعداء، إثارة الأزمات والقتل والمشكلات، مواجهات وصدامات»، نمونه‌هایی از کاربرد واژه‌های هم‌معنا است.

<sup>1</sup> synonymy

## ۲.۱.۶. همدملی<sup>۱</sup>

یک از تأثیرگذارترین استراتژی‌های سیاسی است و بر وحدت، انسجام و همبستگی درون گروهی تأکید دارد. در مواجهه یک گروه/ ملت با تهدید بیرونی، نویسنده صرف‌نظر از جهت‌گیری سیاسی، به همدملی با آن مجموعه می‌پردازد. «إن المشروع الإيراني في المنطقة العربية مشروع عبثي ظاهراً اقتصادي وديني و لكن حقيقته وباطنه بث الفتن و زعزعة المنطقة العربية بحجة فكرة التوسع الشيعي و طمس الهوية العربية، من المؤكد أننا في الخليج مستعدون لمواجهة سلوك إيران الذي لم يعد غريباً، وأن لدينا وسائل للردع وللمرد» (Turki, 2016).

ترجمه: «طرح ایران، در منطقه کشورهای عربی، پروژه‌ای پوچ است که ظاهر اقتصادی و مذهبی دارد، اما هدف واقعی و باطن آن، تفرقه‌افکنی و ایجاد بی‌ثباتی در منطقه (کشورهای) عربی است که با بهانه گسترش (تفکر) شیعه و محو کردن هویت عربی دنبال می‌شود. قطعاً ما در (کشورهای حوزه) خلیج (فارس)، آماده مقابله با رفتار ایران که دیگر (برای همه) شناخته شده است، هستیم و ابزار پیشگیری و مقابله به مثل را در اختیار داریم.»

در این نمونه «ایران» به عنوان یک خطر بیرونی که اهدافش در منطقه، هویت همه کشورهای عربی را تهدید می‌کند، معرفی شده است. در واقع، نویسنده بر آن است تا تقابل گفتمان و اهداف ایران و عربستان در منطقه را به عنوان تقابل ایران با همه کشورهای عربی نشان دهد و به این وسیله، همدملی و همراهی مخاطبان روزنامه که در اکثر کشورهای عربی توزیع می‌شود را به دست آورد. در پایان پاراگراف، نویسنده که در سطرهای پیشین، خطر ایران را به عنوان یک خطر بیرونی به مخاطب معرفی و همدملی مخاطب را به دست آورده، با استفاده از ضمیر جمع، از زبان همه کشورهای عربی می‌نویسد که برای مقابله با رویکرد ایران آماده است.

## ۲.۱.۷. نمونه<sup>۲</sup>

به صورت کلی، گفتمان‌هایی درباره ما (خودی) و آن‌ها (غیرخودی) با بیان مثال و نمونه، به شکل گزارش‌هایی درباره اعمال خوب ما یا رفتار بد آن‌ها توصیف می‌شوند. از جنبه کارکردی، چنین گزاره‌هایی برای تقویت گزاره دیگر به کار می‌روند (Van Dijk, 2015, p. 70). از این استراتژی برای توصیف، تشریح و عینی کردن یک مفهوم یا موضوع استفاده می‌شود. «وستجد دُولاً یحرقها حکامها سوریه مثلاً، وأخرى یفقروها حکامها، تلکم ایران... وستجد دُولاً تهتم نُخبها الحاکمة ببناء الوطن والإنسان، وأحسب أن بلادنا من تلك الدول» (Al-sayad, 2016).

<sup>1</sup> consensus

<sup>2</sup> example

ترجمه: شما کشورهایی را مشاهده می‌کنید که حاکمان‌شان آن‌ها را سوخته‌اند، مانند سوریه و کشورهایی که حاکمانش آن را فقیر کرده‌اند مانند ایران .... و کشورهایی که نخبگان حاکم بر آن به فکر ساخت وطن و انسانیت هستند که من وطن‌مان (عربستان سعودی) را از زمره آن‌ها می‌دانم». در این پاراگراف، دخالت ایدئولوژی به شکل استراتژی «مثال» آوردن دیده می‌شود. نویسنده، کشورها را بر حسب نوع رویکرد حاکمان به دسته‌های گوناگونی تقسیم کرده و برای هر دسته نمونه‌ای آورده است. در این راستا، با تکیه بر ایدئولوژی خود، عملکرد حاکمان دیگر کشورها را منفی و عملکرد حاکمان عربستان را مثبت ارزیابی کرده است. این نوع طبقه‌بندی و نمونه آوردن از استراتژی کلان‌متن، یعنی توصیف منفی از گروه غیرخودی و توصیف مثبت از خود پیروی می‌کند.

## ۲. ۱. ۱. ابهام<sup>۱</sup>

در استراتژی ابهام، اصطلاح‌هایی به کار برده می‌شود که مرجع مشخصی نداشته و به دسته و مجموعه‌ای نامعلوم گفته می‌شود. ون دایک (Van Dijk, 2015, p. 74)، مدیریت وضوح و ابهام را «ابزار قدرتمند سیاسی و ایدئولوژیکی» خوانده است. برای نمونه، می‌توان به کمی‌نماهای مبهم مانند «تعداد اندکی»، «تعداد زیادی»، «قیدهایی مانند «خیلی»، اسم‌هایی مانند «چیز» و صفت‌هایی مثل «بالا» و «پائین» اشاره کرد. این تکنیک می‌تواند با هدف کمرنگ کردن یک موضوع، بزرگ‌نمایی و یا انکار یک رخداد به کار رود. «فهنآک أمان عدة في سورية أفرغها النظام ويستبدل سكانها بالشیعة لتوسيع هيمنتهم في البلد» (Bin Hizam, 2016).

ترجمه: «مکان‌های متعددی در سوریه وجود دارد که نظام (بشار اسد) آن‌ها را خالی و شیعیان را جایگزین ساکنان قبلی‌شان کرده است تا تسلط آن‌ها را بر کشور گسترش دهد». در این جمله، پاره‌گفته «أمان عدة»، کمی‌نمای مبهمی است که با هدف بزرگ‌نمایی عملکرد منفی گروه غیرخودی (رژیم بشار اسد) به کار گرفته شده است. این در حالی است که هیچ اشاره‌ای به نام این مکان‌ها (بر فرض صدق گزاره) و یا تعداد تقریبی آن‌ها در متن نشده است.

## ۲. ۱. ۲. فاصله‌گذاری<sup>۲</sup>

ون‌دایک تضاد منافع گروه‌های گوناگون را عامل استفاده از فاصله‌گذاری دانسته است. این امر با توجه به مربع ایدئولوژیک به عنوان راهبرد کلی متن، به صورت «استفاده از ضمائر شناخته شده ما و آن‌ها»

<sup>1</sup> vagueness

<sup>2</sup> distancing

تحقق می‌یابد (Van Dijk, 2015, p. 70). نویسنده با به کارگیری صورت‌های زبانی و مرزبندی میان آن‌ها، در پی نشان دادن دو گروه و یا دو حزب مخالف است. «و هناك بعض الدول التي تحاول أن تشق الصف اللبناني، ولكننا في العالم العربي نعول على لبنان بكل مكوناته، كما ندعو إلى علاقات مع الجيران و لكننا لا نسمح بالتدخل في الشأن الداخلي للوطن العربي. نحن نمثل الشعب العربي وإيران لن تستطيع أن تسحب لبنان إلى أن يكون إيرانياً، فلبنان بلد عربي، وكل الدول دول عربية ولن تتحول إلى دولة فارسية» (Hajji, 2018).

ترجمه: «برخی کشورها تلاش دارند که وحدت لبنان را از بین ببرند، اما ما در جهان عرب، به لبنان با تمام اجزایش اعتماد داریم. ما علاقمند به برقراری روابط با همسایگان هستیم اما ما اجازه دخالت در امور داخلی وطن عربی را به کسی نمی‌دهیم. ما نماینده مردم عرب هستیم و ایران نمی‌تواند لبنان را به سمت ایرانی شدن بکشاند. لبنان کشوری عربی است و همه کشورهای (خلیج) عربی هستند و هرگز به دولت فارسی تبدیل نخواهند شد». گروه هدف نویسنده در این پاراگراف، ایران و کشورهای عربی است و قصد دارد این گونه نشان دهد که ایران، عربیت و هویت ملی همه جهان عرب به ویژه لبنان را هدف گرفته است. در بخش‌هایی از متن که به لبنان اشاره شده، باز هم نویسنده قصد کلی‌تری دارد. برای نشان دادن فاصله بین ایران و کشورهای عربی همان گونه که در متن به صورت زیرخط‌دار مشخص شده، ضمائر متصل (نا) و منفصل (نحن) چندین بار به کار گرفته شده است. این فاصله که با استفاده از ضمیرهای متکلم مع‌الغیر ظاهر و مستتر در مقابل اسامی و ضمائر مربوط به ایران (هی مستتر) در متن ایجاد شده، در واقع بر اختلاف ایدئولوژیک دو طرف دلالت دارد. نویسنده با این فاصله‌گذاری، ایران را به عنوان کارگزار فعال با نقش منفی معرفی کند که سعی در تأثیرگذاری مخرب در جهت از بین بردن اتحاد و هویت اعراب دارد.

## ۲.۱.۱. تلویح<sup>۱</sup>

به دلایل کاربردشناختی، سخنگویان، تمام باورها و داشته‌هایشان را به زبان نمی‌آورند، یا نیازی به بیان آن نمی‌بینند. در واقع، بخشی از گفتمان به صورت تلویحی باقی می‌ماند. بر این مبنا، مخاطبان می‌توانند چنین اطلاعات تلویحی را از دانش خود یا نگرش‌های مشترک دریافت کنند (Van Dijk, 2015, p. 101). «في الأسابيع المقبلة سيُدحر التنظيم الإرهابي في الموصل، ولكن ماذا بعد ذلك؟ لا جواب في العراق على هذا السؤال! القوى الشيعية تقاوم التنظيم، تقاومه وفق خطة خارجية لا مكان فيها لحساب عراقي، لا أحد متفائل بمرحلة ما بعد الحرب في الموصل» (Bin Hizam, 2017).

<sup>1</sup> implicitness

ترجمه: «در هفته‌های آینده گروهک تروریستی (داعش) در موصل سرنگون می‌شود. اما بعد از آن چه می‌شود؟ در عراق، پاسخی برای این پرسش وجود ندارد. نیروهای شیعه بر پایه‌ی طرحی خارجی که برای (خود)عراق (ی‌ها) اهمیتی قائل نشده، با گروهک تروریستی (داعش) می‌جنگند، هیچکس درباره مرحله پس از جنگ در موصل خوش‌بین نیست».

گزاره اساسی این پاراگراف بیانگر این مفهوم است که نبرد آزادسازی موصل، در نهایت به نفع یک کشور خارجی خواهد بود. در موصل نیروهای کرد، سنی و شیعه برای آزادی این شهر می‌جنگند و نویسنده فقط به نیروهای شیعه اشاره کرده‌است. وی مدعی شده که اساساً نبرد شیعیان در آزادسازی موصل، بر پایه‌ی نقشه آن کشور خارجی پیش می‌رود. نویسنده به طور تلویحی خواستار القای این نظر است که شیعیان عراق تحت تأثیر ایران هستند و پس از نبرد موصل، فرصت مناسبی برای دخالت ایران در عراق به وجود می‌آید.

#### ۲.۱.۱. آشکارسازی<sup>۱</sup>

نقطه‌ی مقابل تلویح است و گوینده/نویسنده با بیان مستقیم آنچه درون پاره گفته پنهان شده‌است، به آشکار کردن و پررنگ کردن مطلب می‌پردازد. «تحدث رضائی كذلك عن أن «المسؤولین یجب أن یهتموا بالداخل بقدر ما یهتمون بتوسیع نفوذ ایران الإقليمي» و هو هنا یستخدم بصراحة ووضوح کلمة «النفوذ» و الحقیقة أن کلمة «النفوذ»، علی رغم أنها ذاتها لیست بالكلمة المقبولة، هی تعبیر مخفف عن کلمات أو معانٍ أدق مثل «الهیمنة» أو «التدخل» أو «السطوة» (Al-Sudairi, 2016).

ترجمه: «رضایی همچنین درباره‌ی اینکه «مسئولان باید به همان اندازه که به گسترش نفوذ ایران در منطقه اهتمام دارند به مسائل داخلی هم توجه کنند» سخن گفت. او در این جا به طور آشکار از واژه «نفوذ» استفاده کرده و حقیقت این است که واژه «نفوذ» با وجود غیرقابل قبول بودن خودش، حسن تعبیری برای واژه‌های دقیق‌تری مانند «تسلط» و یا «مداخله» یا «برتری» است».

نویسنده‌ی متن، با اشاره جمله‌ای از محسن رضایی، دبیرشورای عالی امنیت ملی ایران مدعی است یکی از واژه‌هایی که او به کار برده، در بردارنده‌ی معانی دیگری است که به آن‌ها اشاره نشده و خود دست به آشکارسازی آن‌ها می‌زند.

#### ۲.۱.۲. انکار<sup>۲</sup>

نویسنده این استراتژی را با هدف حفظ وجهه مثبت گروه خودی به کار می‌گیرد. ون دایک درباره این

<sup>1</sup> explicit

<sup>2</sup> disclaimer

نوع ساخت گفتمانی بر این باور است که تحقق آن در متن به صورت نفی مفهومی است که نخست به عنوان صورتی از خودنمودی مثبت یا حفظ ظاهر به کار می‌رود (Van Dijk, 2015, p. 71). گوینده/ نویسنده پس از بیان یک حقیقت با به کارگیری رابطه تضاد به تکذیب همان مطلب در ارتباط با برون‌گروهی می‌پردازد. «لم تكن إيران معنية بتحري الحقيقة في حادثة التدافع الأليمة في منى، ولم يكن تباكيها الكاذب على الضحايا غير ذريعة للتصعيد وخلق مزيد من المشكلات التي تتفنن طهران في اختلاقها. ولو كانت معنية حقاً بالحفاظ على أرواح ضيوف الرحمن لانتظرت كما فعلت كل الدول الإسلامية نتائج التحقيق في الواقعة، ووقتها كان يمكن لها أن تتفق أو تختلف. وكان المسار الطبيعي أن يُترك للمملكة العربية السعودية الوقت الكافي لإجراء تحقيق مستقل وشفاف ومن ثم إعلان نتائجه كما حدث في وقائع أخرى تم التصرف فيها بسرعة وحزم» (Al Hayat, 2016).

ترجمه: «ایران علاقه‌ای به بررسی حقیقت دربارهٔ حادثه دردناک منا ندارد و اشک‌های دروغین‌اش بر قربانیان، بهانه‌ای است برای تشدید و ایجاد مشکلات بیشتر که تهران در ایجاد آن‌ها مهارت دارد. اگر حفظ جان مهمانان پروردگار برای ایران مهم بود، مانند بقیه کشورهای اسلامی منتظر نتایج تحقیق می‌ماند و آن‌گاه می‌توانست با آن موافقت یا مخالفت کند. راه طبیعی (پیگیری) این است که به عربستان سعودی وقت کافی برای انجام یک تحقیق مستقل و شفاف داده شود و نتایج تحقیق همچون حادثه‌های مشابه با سرعت و دقت اعلام شود».

در این پاراگراف نویسنده ایران را با توصیف‌های منفی «تباکیها الكاذب، التصعيد و خلق مزيد من المشكلات» و عربستان را با توصیفات مثبت «إجراء تحقيق مستقل و شفاف، التصرف فيها بسرعة وحزم» بازنمایی کرده‌است. گزاره‌ای که نویسنده درباره ایران انکار کرده‌است، «اهمیت روشن شدن حقیقت دربارهٔ حادثه منا» است. ابتدا ایران را متهم کرده که قصد واقعی برای پیگیری حادثه ندارد اما دیگر کشورهای اسلامی (به عنوان گروه خودی برای نویسنده) به عربستان اعتماد کرده و اجرای تحقیق را به مقامات عربستان سپرده‌اند. سپس روند طبیعی کار را اجرای تحقیق به وسیله عربستان دانسته‌است. به این ترتیب، ارادهٔ روشن شدن حقیقت نزد ایران به عنوان غیر خودی و عنصر برون‌گروه، انکار شده‌است.

## ۲.۱.۱۳. گواه‌نمایی<sup>۱</sup>

گویندگان در قبال گفته‌هایشان مسئول‌اند. بنابراین اگر عقیده‌ای را ابراز می‌کنند، اغلب انتظار می‌رود «شواهدی» برای آن‌ها ارائه دهند. در رسانه، از آن‌جائیکه استفاده از پیام‌های رسانه می‌تواند سوگیرانه باشد، چنین «گواهی» هم می‌تواند مبتنی بر ایدئولوژی باشد (Van Dijk, 2015, p. 73-74). «أعلنت

<sup>1</sup> evidentiality

المالديف قطع علاقاتها الدبلوماسية مع إيران التي اتهمتها بتقويض السلام والأمن في المنطقة وأوضحت وزارة خارجية المالديف في بيان أصدرته أول من أمس وقال: «إن المسلمين حول العالم يؤيدون حق المملكة في رفض المحاولات الإيرانية الهدافة إلى وضع العراقيل لمنع قدوم الحجاج الإيرانيين بهدف تسييس فريضة الحج واستغلالها للإساءة إلى المملكة» (Al-Khazen, 2016).

ترجمه: «مالديو با متهم کردن ایران به تضعیف صلح و امنیت منطقه، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور قطع کرد. وزارت امور خارجه مالديو روز گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرد: «مسلمانان در سراسر جهان حق عربستان را در رد مانع تراشی‌های ایران در جلوگیری از ورود زائران ایرانی که به منظور بهره برداری سیاسی از حج و سوء استفاده از آن برای زیر سوال بردن عربستان سعودی انجام می‌شود را تأیید می‌کنند». آنچه از زیان وزارت خارجه مالديو نقل شده است با سیاست حاکم بر روزنامه الحیاة هماهنگی دارد. بهره برداری سیاسی از حج، ادعایی است که مقامات عربستان بارها متوجه ایران دانسته‌اند و اکنون نویسنده این سخن را از قول وزارت خارجه مالديو آورده تا ادعای خود را درباره ایران، باورپذیرتر کند.

## ۲.۱.۱۴. شبه غفلت<sup>۱</sup>

این استراتژی به صورت نفی موردی که در وهله اول به صورت مثبت بیان شده بود، اجرا می‌شود. شناخته شده ترین شکل آن این گونه است: من چیزی علیه X ندارم اما... (Van Dijk, 2015, p. 71). منظور اصلی گوینده/نویسنده پس از «اما» می‌آید. «یحق للسیاسی اللبناني زعیم حزب أو كتلة النأي بنفسه عن سیاسات حزب شریك، لكنهُ وهو الشریك في إدارة الدولة المختطفة لن يستطيع النأي بنفسه إلا بموقف واضح يتعدى تصريحات إعلامية لم يعد لها طعم ولا لون ولا رائحة» (Al-halu, K, 2016).

ترجمه: «هر سیاستمدار لبنانی رهبر حزب و گروه سیاسی حق دارد که درباره سیاست‌های حزبی که در آن عضو است، خویشان دار باشد اما وقتی که او عضوی از دولت ربهوده شده است دیگر نمی‌تواند جز با اعلام یک موضع آشکار که فراتر از اظهارات بی‌رنگ و لعاب رسانه‌ای باشد، اعلام خویشان داری کند». این پاراگراف بخشی از سرمقاله الحیاة درباره تأخیر دولت لبنان در اعلام موضع بر سر حمله به سفارت عربستان در تهران است. در این متن، نویسنده تأخیر دولت لبنان را به همراهی آن با ایران و اهمیت قاتل نشدن برای روابط با عربستان تعبیر کرده است. در این پاراگراف نویسنده ابتدا بیان می‌کند که «هر سیاستمدار لبنانی.... حق دارد...»، سپس با آوردن واژه «لكن / اما» قصد اصلی خود را با

<sup>1</sup> pseudo-ignorance



تعبیر دولت ربوده شده آورده است. این تعبیر کنایه از دولت لبنان است که به ادعای نویسنده در بخش های دیگر متن، در زمینه سیاست خارجی تحت تأثیر حزب الله است.

## ۲.۱۵.۱. قطبی شدگی<sup>۱</sup>

ون دایک تقسیم مردم به درون گروه و برون گروه را شناخته شده ترین شکل قطبی سازی دانسته است. به باور وی، قطبی سازی وقتی به صورت تضاد آشکار بیان شود، می تواند بار بلاغی بالایی پیدا کند. این کار از طریق نسبت دادن ویژگی هایی به ما (خودی) و آنها (غیر خودی) که از جنبه معنایش متضاد هستند، صورت می پذیرد (Van Dijk, 2015, p. 11). نویسنده بر آن است تا دو قطب و جبهه مخالف را برای مخاطب به تصویر بکشد. به بیان دیگر، در جهت طبقه بندی و تفکیک بین گروه خودی و غیر خودی حرکت می کند.

«تشریح ایران الآن بقدر کبير من الثقة بالنفس بعد نجاحها في إنهاء عقوبات اقتصادية دولية فرضت عليها لفترة طويلة وتسببت ليس فقط في خسائر مادية هائلة، تراكمت آثارها السلبية بمرور الوقت. في المقابل، يجتاح العالم العربي شعور عميق بالقلق من أن يؤدي إنهاء العقوبات الاقتصادية إلى ترويض إيران بعناصر قوة إضافية تمكنها من توسيع دائرة نفوذها خارج حدودها وبالتالي من التغلغل بدرجة أكبر في الشؤون الداخلية للدول العربية، وخاصة في شؤون الدول التي توجد فيها تجمعات شيعية كبيرة» (Badrakhan, 2016)

ترجمه: «ایران در حال حاضر پس از موفقیت در پایان دادن به تحریم های اقتصادی بین المللی که مدت طولانی بر او تحمیل شده بود، احساس اعتماد به نفس زیادی دارد. این تحریم ها با مرور زمان نه تنها زبان های مادی سنگین به بار آورد بلکه اثرات منفی شان روی هم انباشته شده بود. در مقابل، جهان عرب عمیقاً نگران است که پایان تحریم های اقتصادی ایران، منجر به ایجاد عناصر قدرت اضافه برای ایران شده و او را قادر به گسترش حوزه نفوذ خود در خارج از مرزها کند. در نتیجه نفوذ بیشتری برای دخالت در امور داخلی کشورهای عربی، به ویژه کشورهایی که در آن جمعیت های بزرگ شیعه وجود دارد، فراهم شود».

ایران و جهان عرب دو قطب مخالفی هستند که نویسنده متن بر آن است تا استدلال هایش را در پیوند با دلیل اختلاف آن ها ارائه دهد. احساس اعتماد به نفس ایران در مقابل احساس نگرانی جهان عرب قرار دارد. نویسنده پایان تحریم های اقتصادی ایران را دلیل این نگرانی بیان کرده است. در این نقطه، تقابل و قطبی سازی دلخواه را شکل داده و سپس برای تبیین غیر خودی بودن ایران، این بحث را مطرح کرده که ثروت و منابع ایران سرانجام در جهت ناآرامی منطقه و دخالت در امور داخلی

<sup>1</sup> polarization

کشورهای عربی استفاده خواهد شد. در گام پسین، با اشاره به جمعیت‌های بزرگ شیعه، به عنوان جامعه هدف سیاست‌های ایران، این هشدار را به مخاطبان سنی مذهب می‌دهد که اصل دخالت ایران، بر دو قطبی شیعه – سنی استوار است.

جدول ۲: یافته‌های کتی پژوهش

به‌نمایی	پیش‌انگاشت	انسجام	هم‌معنایی	تعمیم	همدلی	مثال	ابهام
۱۸	۴۳	۹	۲۸	۱۹	۱۳	۴۱	۲۷
فاصله	تلویح	آشکار سازی	انکار	گواه‌نمایی	شبه‌غفلت	قطب‌بندی	
۲۹	۵	۱۹	۱۱	۱۶	۱۵	۳۸	

### ۳. نتیجه‌گیری

ارزیابی یافته‌های پژوهش بر عملکرد ایدئولوژیک نویسندگان روزنامه‌الهیة، در نحوه به کارگیری استراتژی‌های معنی در باره نحوه بازنمایی مسائل ایران دلالت دارد. بر پایه دیدگاه ون‌دایک، تأکید و تقویت عملکرد مثبت گروه خودی که در روزنامه‌الهیة، کشور عربستان است و بازنمایی منفی از گروه غیر خودی که در این روزنامه، ایران است به عنوان استراتژی‌های کلان متن در دستور کار نویسندگان قرار دارد. پیش‌فرض‌های فراوانی که در اخبار این روزنامه علیه ایران در نظر گرفته می‌شود، به طور کلی، ایران را به عنوان یک تهدید برای امنیت منطقه معرفی کرده است. در سمت مقابل، عربستان کشوری است که به دنبال حل مشکلات و بازگرداندن امنیت به مناطق درگیر از جمله سوریه و عراق است.

فراوانی بسیار استراتژی فاصله‌گذاری و قطبی‌سازی، بر تمایل شدید نویسندگان بر ایجاد و تأکید هرچه بیشتر بر تقابل دو کشور در مسائل مختلف دلالت دارد. بیشترین نمود زبانشناختی ساخت‌های معنایی گفتمان‌مدار در روزنامه‌الهیة، مربوط به استراتژی‌هایی است که آشکارا نقش مثبت خودی و نقش منفی غیر خودی را بازنمایی می‌کنند. نویسندگان همانطور که در جدول مربوط به تعداد مؤلفه‌های مورد بررسی قابل مشاهده است، گرایش زیادی به استفاده از ساخت‌های زبانی مانند تلویح ندارند. این مسأله را می‌توان به جنگ رسانه‌ای آشکار بین دو کشور در سال‌های اخیر مرتبط دانست. تا پیش از مرگ ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان، روابط دو کشور با وجود اختلاف‌نظرها، هنوز دچار سایش‌ها و درگیری‌های مستقیم نشده بود. با به قدرت رسیدن ملک سلمان در عربستان، فاجعه منا و تغییر شرایط منطقه در یمن، سوریه و عراق سرانجام اختلافات قدیمی را آشکار و به سطح وسیع‌تری از اختلافات

جدید گسترش داد. به همین دلیل، برای نویسندگان سرمقاله‌های الحیاة، استفاده از استراتژی تلویح و نظایر آن چندان ضروری به نظر نمی‌رسد.

بدین ترتیب می‌توان این نظر زبان‌شناسان نقش‌گرا را تأیید کرد که فرم، ساخت و آرایش زبان در خدمت نقشی که به عهده گرفته، قرار دارد. در ۳۰ سرمقاله‌ای که در پژوهش حاضر بررسی شد، ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان، تأثیر مستقیمی بر نحوه به کارگیری استراتژی‌های متن گذاشته است. چنان‌که ون دایک در مربع ایدئولوژیک خود به آن اشاره کرده، سطح کلان متن است که تعیین می‌کند، چه محورهایی از محورهای شش‌گانه سطح خرد و با چه کیفیتی مورد استفاده گوینده/نویسنده قرار گیرند.

### فهرست منابع

- الاحمد، ولید (۲۰۱۶). الصدر «لن یرضخ» لضغوط طهران. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۹۲۱، ۶.
- اسدی، هما و ساسانی، فرهاد (۱۳۹۶). «غیریت‌سازی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی». *زبان پژوهی*. دوره ۹. شماره ۲۲. صص ۲۴-۷.
- الأصقة، سلطان (۲۰۱۶). «الباسیخ» فی نسخة السوریة: الأسد إذ «یُذبح بالقطنة». *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۶۵۰، ۹.
- ایزدی، فواد و سقای بی‌ریا، حکیمه (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران». *رسانه، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها*. شماره ۷۳. صص ۱۲۶-۱۰۱.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- بدرخان، عبدالوهاب (۲۰۱۶). *قوة ایران أم ضعف الدول العربية؟. صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۷۶۵، ۷.
- بلور، مریل و بلور، توماس (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر روند تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه علی رحیمی و امیر حسین شاه‌بالا. تهران: انتشارات جنگل.
- بن حزام، فارس (۲۰۱۶). «جمهوریة المرشد»: من الثورة إلى النووي. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۲۸۷، ۲.
- بن حزام، فارس (۲۰۱۷). *عن الموصل بعد «داعش»*. *صحيفة الحیاة السعودية*، العدد ۱۴۴۳۲، ۱۰.
- ترتزی، جولینو (۲۰۱۷). *حزب الله لا یسرّه ضحك روحاني*. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۲۶۰، ۱۳.
- الترکی، ماجد بن عبدالعزیز (۲۰۱۶). *المشروع الإيراني فی المنطقة العربية!*. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۷۴۵، ۵.
- الترکی، ماجد بن عبدالعزیز (۲۰۱۸). *عن تصاعد الخطاب القومي فی ایران*. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۸۷۸، ۶.
- حامدی شیروان، زهرا و سید مهدی زرقانی (۲۰۱۵). «*تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک*». *کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۲۸، صص ۱۲۸-۹۹.
- حجی، حمزة (۲۰۱۸). *ایران لن تنتصرونحن متحدون*. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۵۲۳، ۹.
- حسن رشید، صلاح (۲۰۱۶). *عن ولایتی الذي لا تتدخل دولته فی شؤون غیرها*. *صحيفة الحیاة السعودية*، ۱۴۹۸۲، ۴.

- الحلو، کرم (۲۰۱۶). أحياناً... في معنى «النأي بالنفس». صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۳۷، ۸.
- الحلو، کرم (۲۰۱۶). لا العراق ولا سورية. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۴۳، ۸.
- الحناکی، احمد (۲۰۱۶). بدء تراجع «الاستخبار» الإيراني خارج الحدود!، صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۶۳، ۳.
- الحناکی، احمد (۲۰۱۸). واشنطن في سورية: فتش عن إيران، صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۸۳، ۵.
- الخازن، جهاد (۲۰۱۶). المالدیف تقطع علاقاتها الدبلوماسية مع إيران، تضامناً مع المملكة. ۱۴۴۳، ۱۱.
- الخازن، جهاد (۲۰۱۶). «الحرس الثوري» يشيد بـ«النهج الشعبوي» خارج إيران. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۸۸، ۶.
- الدريس، زياد (۲۰۱۷). «حزب الله»: شيعية لبنان أم إيران؟. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۴۳، ۱۰.
- الدريس، زياد (۲۰۱۷). وجه إيران الحقيقي. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۳۳، ۱۰.
- الدريس، زياد (۲۰۱۸). انتفاضات إيران وإنتاج الديكتاتورية. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۸۴، ۲.
- رشیدی، ناصر و سعیدی، اصمغان (۲۰۱۵). «تحليل گفت‌مان انتقادی کتاب «فارسی امروز برای دانشجویان خارجی» براساس چارچوب تحلیلی ون دایک ون لیون» پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی». سمت. شماره ۳۲. صص ۱۲۶-۱۰۰.
- السديري، محمد ترکی (۲۰۱۶). «الحرس الثوري» يؤكد «تطوع» كثيرين لقتال المعارضة. صحيفة الحياة السعودية. ۱۴۸۷، ۴.
- السديري، محمد ترکی (۲۰۱۶). زكا المحتجز في ايران تلقي مساعدات من الحكومة الأميركية. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۵۳، ۵.
- سرابی، حسن و سروش فتحی (۱۳۸۷). روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تاکید بر روش تحلیل گفت‌مان و تحلیل گفت‌مان انتقادی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال ۲. شماره ۳. صص ۱۰۵-۸۳.
- السويد، عبدالعزيز (۲۰۱۷). الحرب بين إسرائيل و«حزب الله» استوفت شروطها. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۸۶، ۱۴.
- السويد، عبدالعزيز (۲۰۱۸). إيران: ثورة تحت سقف الجناحين. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۷۶، ۲.
- شريفی، سيدمهدی، نفیسه انصاری و مينا اسدالله زاده (۲۰۱۷). «ايران هراسی در گفتگوهای خبری «سی ان ان»، مطالعه‌ای بر مبنای رویکرد تحلیل گفت‌مان انتقادی ون دایک». مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۴۵. صص ۲۰۸-۱۸۹.
- صالح العريمي، راشد (۲۰۱۶). الحج ذريعة للتصعيد الإيراني. صحيفة الحياة السعودية، العدد ۱۴۴۳، ۱۶.
- الصيد، احمد (۲۰۱۶). بناء الأوطان.. من إيران إلى سنغافورة. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۴۳، ۶.
- العصاف، فيصل (۲۰۱۶). عن جبلة وطرطوس. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۸۷، ۷.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفت‌مان. ترجمه فاطمه شایسته پیران، محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- القاسمی، علی (۲۰۱۶). رهان في موسكو على ليبرمان لتفعيل التنسيق... في سورية. صحيفة الحياة السعودية، ۱۴۹۸، ۴.

- معلوم، حسین (۲۰۱۷). اقتصاد ایران في خدمة الأسد و «حزب الله». *صحيفة الحياة السعودية*، ۱۴۳۶۴۳، ۳.
- ملک، حمدی (۲۰۱۶). الدول العربية لن تتحول فارسية. *صحيفة الحياة السعودية*، ۱۴۴۵۳، ۱۱.
- ملک، حمدی (۲۰۱۸). هل تراجع قدرة طهران إقليمياً... وسلطتها داخلياً؟. *صحيفة الحياة السعودية*، ۱۴۶۴۴، ۷.
- ون دایک، تئون (۱۳۸۶). «نظرات و ایدئولوژی ها در مطبوعات». ترجمه زهرا حداد و کوثر شهینی. *مجله رسانه*. شماره ۷۲. صص ۸۵-۱۱۸.
- ون دایک، تئون (۱۳۹۴). ایدئولوژی و گفتمان. مترجم محسن نوبخت. تهران: نشرسیاهرود.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳). گفتمان شناسی رایج و انتقادی. تهران: نشرهرمس.
- یاسمی، کلثوم و آقاگل زاده، فردوس (۲۰۱۷). «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب «امریکن اینگیلیش فایل» با استفاده از مدل ون دایک». *مطالعات فرهنگ - ارتباطات، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. شماره ۶۶. صص ۲۰۶-۱۸۵.

## References

- Aghagolzadeh, F. (2013). *Descriptive dictionary of discourse analysis and pragmatics*. Tehran: Emi [In Persian].
- Al-Hayat newspaper. (23/5/2016). Hajj is a pretext for Iranian escalation [In Arabic].
- Al Qasimi, A. (2016). A bet in Moscow on Lieberman to activate coordination... In Syria. *Al Hayat Saudi Newspaper*, 14987, 6 [In Arabic].
- Al-Sayad, A. (2016). Home Building... From Iran to Singapore! *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14432, 6 [In Arabic].
- Al-Sweed, A. A. (2018). Iran: a revolution under the wing of the wings. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14769, 2 [In Arabic].
- Al-Sweed, A. A. (2017). The war between Israel and Hezbollah has met its conditions. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 148654, 14 [In Arabic].
- Al-Ahmad, V. (2016). Sadr "will not yield" to the pressure of Tehran. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14921, 6 [In Arabic].
- Al-Asqa, S. (2016). "Basij" in its Syrian version: Assad as "slaughtered with cotton". *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14650, 21 [In Arabic].
- Aldrees, Z. (2017). Hezbollah: Shiites of Lebanon or Iran? *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14432, 10 [In Arabic].
- Aldrees, Z. (2015). *Ideology and discourse* (M. Nobakht, Trans.). Tehran: Siahroud [In Persian].
- Aldrees, Z. (2017). The real face of Iran. *Al Hayat Saudi Newspaper*, 14335, 10 [In Arabic].
- Aldrees, Z. (2018). The Iranian uprisings and the production of dictatorship. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14843, 2 [In Arabic].
- Al-Halu, K. (2016). Neither Iraq nor Syria, *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14438, 6 [In Arabic].
- Al-Halu, K. (2016). Sometimes... in the meaning of "self-distancing". *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14377, 11 [In Arabic].
- Al-Khazen, J. (2016). Maldives severed diplomatic relations with Iran, in solidarity with the Kingdom. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14432, 11 [In Arabic].
- Al-Sudairi, M. T. (2016). Zaka, detained in Iran, received assistance from the US government, *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14537, 5 [In Arabic].
- Al-Sudairy, M. T. (2016). "Revolutionary Guards" confirms the «volunteer» many to fight the opposition. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14876, 4 [In Arabic].

- Asadi, H. & Sassanid, F. (2018). Integration in the foreign policy discourse of Mohammad Reza Pahlavi. *Zabanpazuhi*, 9(22), 24-7 [In Persian].
- Asaf, F. (2016). About Jableh and Tartous. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14878, 5 [In Arabic].
- Badrakhan, A. (2016). The power of Iran or the weakness of the Arab countries? *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14765, 7 [In Arabic].
- Bin Hizam, F. (2016). "Guide Republic": from the revolution to the nuclear. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14287, 2 [In Arabic].
- Bin Hizam, F. (2017). About Mosul after ISIS. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14432, 10 [In Arabic].
- Bloor, M. & Bloor, T. (2011). *The practice of critical discourse analysis: an introduction* (A. Rahimi, and A. Shahbala. Trans.). Tehran: Jangal [In Persian].
- Fairclough, N. (2000). *Critical discourse analysis*. (F. Shayesteh Piran, M. Nabavi, & M. Mohajer) Tehran: Markaz Mutaleat Va Tahghighat Rasaneha [In Persian].
- Hajji, H. (2018). Iran will not win and we are united. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14523, 9 [In Arabic].
- Hamedi Shirvan, Z. & Zarqani, S. M. (2015). Analysis of Rostam and Shaghad's ideology based on Van Dijk ideological squares. *Exploration of Persian Language and Literature*, 28, 99-128 [In Persian].
- Hanaki, A. (2016). The beginning of the retreat of Iranian «arrogance» outside the border! *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14630, 3 [In Arabic].
- Hanaki, A. (2018). Washington in Syria: inspecting Iran. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 1483, 2 [In Arabic].
- Hassan Rashid, S. (2016). For my state whose state does not interfere in other affairs. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14982, 4 [In Arabic].
- Henry, F. & Tator, C. (2002). *Discourse of domination: racial bias in the Canadian English-language press*. Toronto: University of Toronto Press.
- Izadi, F. & Vasquai Beiria, H. (2008). Analyzing the discourse of top American newspapers' editors on Iran's nuclear program. *Media, Office of Media Studies and Planning*, 73, 101-126. [In Persian].
- Khazen, J. (2016). The revolutionary guards hails the "tactical approach" outside Iran. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14886, 6 [In Arabic].
- Maaloom, H. (2017). Iran's economy at the service of Assad and Hezbollah. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 143643, 3 [In Arabic].
- Malak, H. (2016). Has Tehran's regional capacity... and its internal authority declined? *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14644, 7 [In Arabic].
- Malek, A. (1997). The New York Times' editorial position and U.S. foreign policy: the case of Iran revisited. In A. Malek (Ed.), *News Media & Foreign Relations: A Multifaceted Perspective* (pp. 225-246). Norwood, NJ: Ablex.
- Malek, H. (2016). Arab countries will not turn Persian. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14453, 11 [In Arabic].
- Rashidi, N. & Saeedi, A. (2015). Analysis of the critical discourse of Persian today for international students based on the analytical framework of Van Dijk and Van Levon. *Research and Writing of Academic Books, Organization*, 28, 100-126 [In Persian].
- Richardson, J. E. (2007). *Analyzing newspapers: an approach from critical discourse analysis*. New York: Palgrave Publishing.
- Saleh Al-Araimi, R. (2016). Pilgrimage as a pretext for Iranian escalation. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14432, 16 [In Arabic].
- Sarai, H. & Fathi, S. (2008). Qualitative method in social studies with emphasis on discourse analysis and critical discourse analysis. *Social Sciences*, 2(3), 105-83 [In Persian].
- Sharifi, S. M., Ansari, N. & Asadollah Zadeh, M. (2017). IranoPhobia in CNN news conversations, a study based on Van Dijke's critical discourse analysis. *Islamic Revolution Studies, Islamic Studies University*, 45(2), 189-208 [In Persian].
- Tertzi, J. (2017). Hizbullah Laughter Rouhani. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14260 [In Arabic].

- Turki, M. A. A. (2016). Iranian project in the Arab region! *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14745, 5 [In Arabic].
- Turki, M. A. A. (2018). On the rising national discourse in Iran. *Al-Hayat Saudi Newspaper*, 14878, 6 [In Arabic].
- Van Dijk, T. (2004). *Ideology and discourse a multidisciplinary introduction*. Barcelona: Pompeu Fabra University Press.
- Van Dijk, T. (2007). Opinions and ideologies in the press (Z. Haddad & K. Shahani, Trans.). *Rasaneh*, 72, 118-85 [In Persian].
- Yarmohammadi, L. (2004). *Critical discourse*. Tehran: Hermes [In Persian].
- Yasemi, K., & Aghagolzadeh, F. (2017). American English file critical discourse analysis using the Van Dijke model. *Culture-Communication Studies, Culture, Art and Communication Research, Ministry of Culture and Islamic Guidance*, 66(2), 185-206 [In Persian].

## **The Study of Discourse-semantic Structures in Arabia Alhayat Newspaper with Emphasis on Van Dijk Schema**

**Zeinab Ghasemiasl<sup>1</sup>  
Shahriyar Niazi<sup>2</sup>**

Received: 18/07/2017

Accepted: 03/03/2018

### **Abstract**

As two political and religious poles in the Middle East, Iran and Saudi Arabia are considered always the traditional competitors in expansion and stability of the regional power. The relationship between these two countries has faced ups and downs in different eras due to the different reasons. Their relationships are sometimes based on cooperation policy, sometimes competition and conflict and sometimes like recent years (since the beginning of the Syria crisis) based on direct argument between the authorities of both states, stopped relations and proxy conflicts in third countries.

Recognizing the discourse strategies of Saudi Arabia press which play a significant and inspiring role for the press of other Arabian countries can be a way to predict the political and discourse-based behavior of Saudi Arabia as a contradictory discourse against Iran. With regards to its antiquity, professional team and simultaneous publishing in several points across the world, Saudi Arabia Al-Hayat newspaper is from among the most influencing media of this country in managing the media war against Iran. Most often, something is published against Iran by the analysts of this newspaper in each volume which is taken into account as a role model for other Arabian newspapers in terms of representation modes.

In this study, 30 articles were selected to be reviewed and investigated so that the method of using the language strategies in the governing discourse is discussed. The present query answers this question: how is the ideology governing the author's mind reflected within the framework of discourse-based structures in the text and what are its language representations? The importance of the afore-mentioned question is that by achieving the answer, the gap existing in linguistic studies about

---

<sup>1</sup> Postdoctoral Researcher in Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran (Corresponding Author); [z.ghasemiasl@ut.ac.ir](mailto:z.ghasemiasl@ut.ac.ir)

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran; [shniazi@ut.ac.ir](mailto:shniazi@ut.ac.ir)



the Arabic press is filled and explaining and elaborating the discourse strategies of this newspaper paves the way for more studies in the field of communications sciences for scholars and researchers .

The methodology used in this study is the discourse analysis based on the model presented by Teun Adrianus van Dijk (2008). To analyze the text, van Dijk has suggested two micro and macro levels each of which has its own special components. The macro level of text is, in fact, the abstract level by which the relationships between social actors and groups, institutes and organizations are described and analyzed within a society by incorporating the meta-language concepts including ideology, policy, power and dominance in discourse. The multilevel model of van Dijk allows the scholar to study his or her considered level without any interference with others. In other words, the capability to separate the strategies in six levels is another privilege which has driven the scholars toward choosing this model. Therefore, 30 selected articles were studied on the basis of van Dijk model so that the discourse strategies of authors of Al-Hayat newspaper are determined at the level of meaning.

Evaluating the findings of this study indicates the ideological performance of Al-Hayat newspaper authors in how to apply the text strategies to present the Iran issues. In accordance with van Dijk viewpoint, emphasizing and strengthening the positive performance of insider group, i.e., Saudi Arabia and negative representation of outsider group, i.e., Iran, in Al-Hayat newspaper, has been put in the authors' agenda as the macro-strategies of text. Many assumptions published within the news of this newspaper against Iran have generally introduced Iran as the threat for the security of region and on the contrary, Saudi Arabia as the country which tries to solve the problems and restore the security to the conflicted regions including Syria and Iraq .

High rates of distancing and polarization indicate the strong tendency of authors for creating and emphasizing the confrontation of both countries in various issues.

Most linguistic representations of discourse-based semantic structures in Al-Hayat newspaper are related to those strategies which clearly represent the positive role of insider and negative role of outsider and the authors do not show a high inclination to use the language structures like implication.

Therefore, this viewpoint of function-oriented linguistics can confirm that language form, structure and arrangement are at the service of the role undertaken by them. In all 30 articles investigated in the present study, the ideology governing the authors' minds has directly affected how to apply the text strategies. As van Dijk, in his ideological square mentioned, it is the macro-level of text that determines which subject matters of six micro levels are used by the author/speaker and with what quality.

**Keywords:** Critical Discourse Analysis, Discourse-semantic structures, Ideology, Van Dijk, Al-Hayat newspaper